



پژوهش‌های منطقه‌ای / شکل دهی به گفتمان‌های اسلامی جهانی
نقش الازهر، المدینه و المصطفی ﷺ

ترجمه: مهدی باقی

ویراستاران: مسعوده بانو و کیکو ساکورای

پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای

چاپ دوم: ۱۳۹۸ ش / ۱۴۴۰ ق

ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

چاپ: نارنجستان

قیمت: ۵۵۰۰۰۰

چاپ: نارنجستان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

با سیاست از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

● مدیر انتشارات: سید اباذر هاشمی هریکندی

● ناظر چاپ: نعمت‌الله یزدانی

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● ناظر فنی: علی عبادی فرد

pub_almustafa

<http://buy-pub.miu.ac.ir>

miup@pub.miu.ac.ir

**پژوهش‌های منطقه‌ای
شکل دهی به گفتمان‌های اسلامی جهانی
نقش الأزهر، المدینه و المصطفی
(همایش آکسفورد)**

ترجمه:
مهدی باقی



مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر
المصطفی ﷺ

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد.

«جامعة المصطفی رحمته‌الله العالمیة» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی رحمته‌الله «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی رحمته‌الله» را تأسیس کرده است.

در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس‌گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی رحمته‌الله

مقدمه پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای

کتاب حاضر با عنوان «شکل دهی به گفتمان‌های اسلامی جهانی؛ نقش الازهر، المدینه و المصطفی ﷺ»^۱ توسط «مسعوده بانو» و «کیکو ساکورای» ویراستاری شده و توسط جناب آقای مهدی باقی به فارسی ترجمه شده است.

این مجموعه حاصل کارگاهی است که در ماه اوت سال ۲۰۱۲ در دانشگاه آکسفورد برگزار شد.^۲ افرادی چون استفان لاکروا^۳ در زمینه مطالعه تطبیقی ساحت‌های دینی عربستان سعودی و مصر و المدینه و الازهر، هیلاری کالمباخ^۴ و سجاد رضوی^۵ در بررسی تطبیقی سه دانشگاه الازهر، المدینه و المصطفی ﷺ همکاری داشتند.

این طرح از پشتیبانی مالی انجمن پیشبرد علم ژاپن^۶ با کمک مالی و

1. Shaping Global Islamic Discourses, The Role of al-Azhar, al-Medina and al-Mustafa

۲. طبق اظهارات همکاران مرتبط با منطقه، با توجه به انجام مطالعات تکمیلی و ویرایش محتوایی متن انگلیسی، کتاب به تازگی منتشر شده است. یادآور می‌شود که ترجمه فارسی کتاب نیز با پی‌گیری دوستان در منطقه صورت گرفته است.

3. Stephane Lacroix

4. Hilary Kalmbach

5. Sajjad Rizvi

6. Japan Society for the Promotion of Science (JSPS), KAKENHI

برنامه موسسات ملی علوم انسانی ژاپن در زمینه مطالعات اسلامی^۱ بهره‌مند شده است. افزون بر این، مسعوده بانو با پشتیبانی موسسه خود و با دریافت کمک هزینه^۲ در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ توانسته است در زمینه آموزش دینی در جهان اسلام مطالعه کند.

پژوهش حاضر تلاش کرده است با طرح پرسش‌هایی چون:

- چه عواملی موجب اهمیت روایت خاصی از اسلام در مقایسه با مواضع رقیب می‌شود؟

- تا چه اندازه حکومت‌های ملی در پیشبرد گفتمان اسلامی جهانی نقش فعال ایفا می‌نمایند؟

- و از چه راه‌هایی این گفتمان‌های اسلامی که مورد توجه جهانیان قرار می‌گیرند به مواجهه با باورها و رسوم محلی برمی‌خیزند؟

به تبیین ارتباط پیچیده میان مراکز علمی مهم در جهان اسلام با جوامع محلی بپردازد. این مجموعه، در راستای واکاوی روندهای پیچیده‌ای که بنیان انتقال جهانی گفتمان‌های اسلامی را تشکیل می‌دهند، بر کارکرد اثرگذارترین مراکز بین‌المللی معارف اسلامی در روزگار ما تمرکز می‌نماید که عبارتند از: دانشگاه الازهر در مصر، دانشگاه اسلامی المدینه در عربستان سعودی، دانشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ در ایران.

با توجه به مطالب ارائه شده در این پژوهش، مباحث را می‌توان در سه محور دسته‌بندی و خلاصه نمود: در محور اول نویسندگان به چگونگی شکل‌گیری گفتمان‌های جهانی اسلامی پرداخته و در این بین با دلایلی به سه دانشگاه الازهر، المدینه و المصطفی ﷺ توجه ویژه‌ای

1. Japan's National Institutes for the Humanities (NIHU) Program for Islamic Area Studies

2 ESRC Ideas and Belief Fellowship

داشته‌اند؛ در محور دوم هر یک از این سه دانشگاه مورد مطالعه قرار گرفته که جامعه المصطفی ﷺ در جهان تشیع، ارتباط آن با انقلاب اسلامی و نظریه ولایت فقیه، رابطه آن با نجف در بعد بین‌المللی و نگاهش به دانشگاه‌های المدینه و الازهر مورد بررسی قرار گرفته است؛ در محور سوم نیز خانم کیکو ساکورای از پژوهشگران حوزه جهان اسلام در کشور ژاپن و از مدیران و ویراستاران اصلی این پروژه و آقای ذوالکفلی از اندونزی به مطالعه سیستم آموزشی المصطفی ﷺ و مسائل دانش‌آموختگان و تاثیرات آن بر محیط محلی تمرکز پیدا کرده‌اند.

به نظر نویسندگان مقالات، اهمیت دانشگاه‌های الازهر، المدینه و المصطفی ﷺ در طبیعت دوگانه آنهاست که آموزش‌ها در آنها به شیوه مدارس قدیم ارائه می‌شود، اما ادعا می‌شود که با الگو گرفتن از ساختارهای رسمی دانشگاه‌های غربی فضای آنها را امروزی کرده‌اند. شماری بر این باورند که این الگوی درآمیختن ویژگی‌های تحصیل قدیمی و امروزی به کوشش‌های فتح‌الله گولن در راستای جهانی کردن نظام آموزشی امروزی معطوف به اسلام در ترکیه بسیار نزدیک است. با این حال، مدارس گولن از مقوله‌ای دیگرند، چه این مدارس شامل مقاطع تحصیلی تا پیش از ورود به دانشگاه است و دیگر این که هدف از تاسیس این مدارس تربیت عالم دینی نیست.

در این مجموعه به لزوم بازشناختن توان بالقوه شاخص این دانشگاه‌ها در راستای جهانی کردن گفتمان‌های اسلامی خاص پرداخته می‌شود، از این رو که این موسسات از پشتیبانی دولت‌های متبوع برخوردارند و این که بررسی آنها موجب می‌شود که به تعامل پیچیده میان آرمان‌های حکومت‌ها در راستای اعمال مشروعیت جهانی و

پدیداری گفتمان‌های جهانی اسلامی توجه ویژه‌ای شود. توجه ویژه به نقش دولت در این سه دانشگاه و تاثیر آن بر رقابت آنها از نکات مورد توجه این پژوهش است. در این رابطه به ارتباط عربستان و ایران نگاه ویژه‌ای شده است.

پژوهشگران این پروژه معتقدند که مطالعه تطبیقی حاضر، به سه دلیل، نگرشی بس سودمند در راستای بررسی کارکرد پیوندهای جهانی و محلی گسترش گفتمان‌های اسلامی جهانی ارائه می‌کند؛ نخست آن‌که پیش از پرداختن به بررسی روندهایی که در جهانی شدن یک گفتمان یاریگر است، بایست معلوم شود که آن گفتمان به راستی شایسته عنوان جهانی شدن است؟ این سه دانشگاه حائز این پیش شرط هستند. تاثیر این سه دانشگاه بر شکل دادن به گفتمان و ادای تکالیف در جوامع اسلامی امروزی در جای جای جهان، آشکار است و این امر در تنوع ملیت دانشجویانی که از سراسر جهان برای تحصیل به این مراکز روی آورده‌اند تجلی یافته است.

دیگر این که بررسی تطبیقی این سه دانشگاه فرصتی مغتنم برای مقایسه فعالیت این سه روند غالب اسلام معاصر، یعنی سلفی‌گرایی وهابی، تشیع ایرانی و ندای اسلام «میانه رو»، است که در صحنه بین‌المللی سیاسی و دینی در راستای تفوق به رقابت برخاسته‌اند.

در این نوشته بیان شده است که: کوشش علمی در راستای تعریف اصطلاحاتی مانند اسلام آزاد اندیشانه (لیبرال)، «میانه رو» یا «درست آیین» (ارتدکس)، بنا بر نحوه نگرش به مهم‌ترین معیارها در تعریف اصطلاحاتی از این دست، موجب آن شده که معنای آنها نیز بحث‌انگیز باشد؛ سلفی‌گرایی، به معنای رایج، با تعبیر سختگیرانه از متون اسلامی بیش‌تر با

وهابیت سعودی‌ها پیوند یافته است. اما، چنان که بارها در مقالات این مجموعه آمده، اصطلاح سلفی‌گرایی در بستر مصر، معنای پیچیده‌ای می‌یابد؛ چه در آن کشور تجدد گرایانی مانند محمد عبده (۱۸۴۹ - ۱۹۳۵) و شاگردش، رشید رضا (۱۸۶۵ - ۱۹۳۵)، که در واقع به بحث در باره تعبیر تجددگرایانه از متون اسلامی می‌پرداختند، نیز خود را در چارچوب سلفی‌ها قرار دادند و دانشمندان بی‌شماری آنان را سلفی خوانده‌اند. آنان تقلید یا پیروی کورکورانه از مذاهب چهارگانه را نپذیرفتند و در پی پیوند بی‌واسطه و پیوسته با قرآن و حدیث به منظور تعبیر بی‌واسطه آنها بودند و از این نظر به سلفی‌های عربستان سعودی شبیه‌اند.

تعریف اسلام «میان‌ه رو» نیز با در نظر آوردن گوناگونی‌های درون این سازمان‌ها، که مدعای نگرش تجدد طلبانه دارند، نیز کار دشواری است. با این حال، ویژگی‌هایی در تعریف اصطلاح سلفی‌گرایی مطرح شده که در تعریف اسلام میان‌ه رو حائز اهمیت است. دو معیار بسیار معروف در این باره علاقه به تعبیراتی است که بیشتر متن بنیاد است تا ظاهری و دیگر توجه به نگرش کثرت‌گرایانه در راستای پیروی از چند مذهب در برابر تقلید از یک مذهب است. ارائه تعریفی برای تشیع ایرانی نیز دشوار است، اما ویژگی بنیادین آن پیوند تنگاتنگ آن با اصل سیاسی ولایت فقیه است.

یکی از بخش‌های مهم کار در این پژوهش چگونگی ارتباط این دانشگاه‌ها با محیط محلی خودشان است که در این مجموعه چنین بیان می‌شود که اگر چه ممکن است حکومت سعودی یا ایران در راستای تبلیغ ایدئولوژی‌های خود بسیار سرمایه‌گذاری کنند، اما موفقیت این کوشش‌ها در گرو چند عامل در میان مخاطبان آنان است که مهم‌ترین آن عوامل بستر

سیاسی محلی، الگوهای تاریخی، وابستگی دینی و درک فرهنگی و زیبایی شناختی جامعه مخاطب است. از این‌رو، در بررسی روندهای انتقال اندیشه‌ها در سطح جهانی نه تنها مشخص ساختن «کوشش‌ها در راستای نفوذ» از اهمیت برخوردار است، بلکه بررسی «سازگاری‌ها در راستای نفوذ» نیز به همان اندازه مهم است. در مقالات این مجموعه تبیین می‌شود که این سازگاری برای جلب دانشجویان به جانب یک ایدئولوژی خاص و نیز آماده ساختن دانشجویان برای رویارویی با استدلال‌های پیروان مذاهب یا فرقه‌های مخالف، حائز اهمیت بسیار است.

مقالات این مجموعه نشان از آن دارند که در مورد المدینه، المصطفی ﷺ و الازهر می‌توان گفت که همواره میان آنان که در پی تاثیرگذاری هستند و آنان که متاثر می‌شوند، پیوندی دیالکتیک برقرار است و هر دو طرف در پی تاثیر بر یکدیگرند.

ملاحظه فهرست تفصیلی این اثر، محورهای خاص مورد توجه هر یک از مؤلفان را مشخص می‌کند.

مجموعه مقالات پژوهشگران بدون تصرف به فارسی برگردانده شده است و تأمل نسبت به محتوای آن به ژرف‌اندیشی خوانندگان محترم واگذار می‌شود.

آنچه در ارائه این مجموعه و در دسترس قرار دادن آن توسط پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای در پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ بیشتر مد نظر می‌باشد، توجه و اهتمام دست‌اندرکاران مسائل آموزشی و فرهنگی در عرصه بین‌الملل به مطالعاتی از این دست است؛ آنهم با سرمایه‌گذاری کلان و توسط مراکز علمی معتبر و شناخته شده دنیا! و دقت در مباحث و محورهایی که برای ایشان مهم و قابل توجه بوده است.

تشکر و سپاس

این مجموعه حاصل کارگاهی است که در ماه اوت سال ۲۰۱۲ در دانشگاه آکسفورد برگزار شد. ویراستاران از نویسندگان سپاس گزارند که با نوشتن مقالات بصیرت افزای خود، امکان انتشار این مجموعه را فراهم آوردند. از استفان لاکروا (Stephane Lacroix) نیز بسیار سپاس‌گزاری می‌شود که در این کار از راهنمایی‌های ارزش‌مند خود دریغ نوزید. دانش تطبیقی وی در مورد ساحت‌های دینی عربستان سعودی و مصر و آشنایی وی با المدینه و الازهر در گردآوری و تدوین این مجموعه پشتوانه‌ای گران بها بود. از هیلاری کالمباخ (Hilary Kalmbach) و سجاد رضوی (Sajjad Rizvi) نیز سپاس‌گزاری می‌شود که همراه با استفان به اظهار نظرات تخصصی در مورد این کارگاه پرداختند. نظرات آنان در ارائه بهتر سه بخش این مجموعه و نیز بررسی تطبیقی این سه دانشگاه راه‌گشا بود. بن یانگ (Ben Young) در آماده‌سازی متن مقالات برای چاپ بسیار یاری کرد و جونچی نیشیمورا (Jun'ichi Nishimura) از دانشگاه واسدا (Waseda University) در مورد مسائل مهمی ما را یاری رساند. این طرح از پشتیبانی مالی انجمن پیشبرد علم ژاپن (Japan

با (Society for the Promotion of Science (JSPS), KAKENHI کمک مالی به شماره ۲۴۴۰۱۰۱۳ و برنامه موسسات ملی علوم انسانی National Institutes for the Japan's) مطالعات اسلامی ژاپن در باره مطالعات اسلامی (Humanities (NIHU) Program for Islamic Area Studies) بهره‌مند شده است. افزون بر این، مسعوده بانو مراتب سپاس‌گزاری خود را از پشتیبانی موسسه خود و دریافت کمک هزینه (ESRC Ideas and Belief Fellowship) در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ اعلام می‌دارد که به وی این امکان را بخشید که وقت خود را صرف انجام این طرح نماید.

مسعوده بانو و کیکو ساکورای

فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۷
دانشگاه‌های اسلامی بین‌المللی در ساختار اقتدار اسلامی.....	۳۱
مرکزیت این سه دانشگاه.....	۳۶
آموزش ساکنان محلی به یاری دانشجویان.....	۴۱
دگرگون‌سازی جامعه محلی؛ اهمیت بافت اجتماعی.....	۴۵

بخش اول: جهان‌سازی؛ درون این سه دانشگاه

فصل اول: دانشگاه اسلامی مدینه از ۱۹۶۱.....	۵۱
سیاست تبلیغ دینی و شیوه آموزش سلفی امروزم.....	۵۱
پیشینه سازمانی؛ نگاهی اجمالی.....	۵۴
مبادله فراملی، سلطه‌طلبی و شیوه آموزش سلفی.....	۶۶
نتیجه‌گیری.....	۸۳
فصل دوم: قم مرکز دانش پژوهی شیعی؛ دانشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ.....	۸۵
مقدمه.....	۸۵
دانش پژوهی شیعی پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷.....	۸۸
تغییر ساختار مدارس دینی در راستای «صدور انقلاب».....	۹۵
نهادینه‌سازی آموزش طلاب غیر ایرانی.....	۹۸
مرکز جهانی علوم اسلامی به عنوان نمونه اولیه دانشگاه بین‌المللی المصطفی؛ برنامه‌های	

آموزشی و موسسات آموزشی وابسته به آن.....	۱۰۳
تأسیس دانشگاه بین‌المللی المصطفی.....	۱۰۷
گسترش فعالیت‌ها در خارج از کشور.....	۱۱۷
دیدگاه‌های دانش‌آموختگان دانشگاه بین‌المللی المصطفی که به جوامع خود بازگشته‌اند.....	۱۳۰
نتیجه‌گیری: جهانی کردن تشیع «ایرانی».....	۱۳۵
فصل سوم: پشتیبان اسلام «الوسطیه»؛ دانشگاه الازهر قاهره.....	۱۳۹
مقدمه.....	۱۳۹
توانمندی داخلی و بین‌المللی الازهر.....	۱۴۲
بنیان تقاضا؛ مهندسی شده یا طبیعی؟.....	۱۵۰
تعریف اسلام «الوسطیه».....	۱۵۴
توانایی باقی ماندن در کانون؛ عوامل داخلی و بین‌المللی.....	۱۶۲
آینده؛ الازهر و بهار عربی.....	۱۶۴

بخش دوم: دانش‌آموختگان بازگشته در گفت‌وگو با ساکنان محلی

فصل چهارم: اهل السنه؛ شبکه تبلیغی میان کانو و مدینه.....	۱۷۳
مسیرهای رهبران اهل السنه به سوی مدینه و بازگشت به کانو.....	۱۷۸
بهره‌گیری از دانشگاه اسلامی مدینه و قوانین سلفی در مجادلات میان اهل السنه و ازاله.....	۱۸۷
بهره‌گیری از دانشگاه اسلامی مدینه و فقه سلفی در مجادلات میان اهل السنه و بوکو حرام.....	۱۹۸
تغییر گونه‌های زبانی؛ پیام‌های عامه‌پسند، متون و کتاب‌های راهنمای تخصصی سلفی.....	۲۰۱
دعوت محلی در بافت تاریخ جهانی.....	۲۰۵
نتیجه‌گیری.....	۲۱۳
فصل پنجم: دانش‌آموختگان قم در اندونزی؛ نقش آنان در میان اهل تشیع.....	۲۱۵
مقدمه.....	۲۱۵
افزایش شمار دانشجویان اندونزیایی در قم.....	۲۱۷
نظام آموزشی قم.....	۲۲۲
انجمن دانش‌آموختگان قم.....	۲۳۰
ساختارهای اجتماعی دانش‌آموختگان قم.....	۲۳۲

۲۴۴	دانش آموختگان قم و دعوت.....
۲۵۰	دانش آموختگان قم و آموزش اسلامی.....
۲۵۹	نتیجه‌گیری.....
	فصل ششم: تجددگرایی اسلامی، اصلاح سیاسی و عربی ساختن آموزش؛ پیوند میان
۲۶۱	ملی‌گرایان مراکش و دانشگاه الازهر.....
۲۶۱	مقدمه.....
۲۶۳	بحث و استدلال.....
۲۶۵	سازمان‌دهی.....
۲۶۶	تجددگرایی اسلامی و سلفی‌گرایی در مراکش.....
۲۷۴	۱. مراکش، الازهر و تجددگرایی اسلامی.....
۲۷۹	۲. تجدد گرایان اسلامی تاثیر گذار مراکش.....
۲۸۷	۳. اثرات کوتاه و دراز مدت.....
۲۸۷	کوتاه مدت: تلفیق اصلاح دینی و سیاسی.....
۲۹۰	دراز مدت: اصلاح آموزشی.....
۲۹۴	نتیجه: مورد مراکش.....
	بخش سوم: دانش آموختگان بازگشته و دیگرگون سازی اوضاع ساکنان محلی
	فصل هفتم: از مکه تا قاهره؛ اثرات مختلف فتاوی در آسیای جنوب شرقی.....
۳۰۱	مکه، مجمع علمای شافعی آسیای جنوب شرقی.....
۳۱۶	از مکه تا قاهره؛ تاثیر بر شیوه فقهی.....
۳۲۳	اجوبه به چهار سوال:.....
۳۲۶	شیوه سلفی و تشکیل نهادهای رسمی صدور فتاوی در شبه جزیره مالایا.....
۳۳۵	نتیجه‌گیری.....
	فصل هشتم: «ازهری سازی» آموزش علما در مالزی.....
۳۴۱	«ازهری سازی» موسسات آموزش علماء در اندونزی.....
۳۵۲	به‌کارگیری برنامه آموزشی الازهر توسط دولت‌های ایالتی (محلی).....
۳۵۷	در اختیار گرفتن مدارس دینی و تحصیل در الازهر در سطح ملی (فدرال).....
۳۶۱	تجربه تحصیل در الازهر و معنای آن برای یکایک دانشجویان.....

- ۳۶۷تحصیل در ال‌زهر در میانه سده بیستم
- ۳۷۵تحصیل در ال‌زهر پس از عمومیت یافتن آن
- ۳۸۴نتیجه؛ پیامد «ازهری‌سازی»
- ۳۸۹درباره نویسندگان فصول

پیش‌گفتار

در باب پول‌های نفت سعودی که صرف ترویج اسلام سلفی در گستره فرهنگی و جغرافیایی، از دور افتاده‌ترین روستاهای دره سوت در پاکستان تا کلان‌شهرهایی مانند جاکارتا می‌شود بسیار سخن گفته‌اند.^۱ گمان‌هایی که در مورد جنگ‌های نیابتی حکومت ایران با حکومت‌های عرب سنی در کشورهای دیگر نیز چنان رایج است که آنها را به سان حقیقت نمودار می‌سازند.^۲ اما به راستی پژوهش‌های تجربه‌بنیاد اندک شماری در باره چگونگی تاثیر آرمان‌های توسعه‌طلبانه ایدئولوژی‌هایی از این دست بر ساکنان آن کشورها انجام شده که با آن اندیشه و عملکردهای آن بسیار بیگانه است. به پرسش‌ها در باره چگونگی انتقال

-
1. Natana J. DeLong - Bas, *Wahhabi Islam: From Revival and Reform to Global Jihad* (Oxford: Oxford University Press, 2004); Olivier Roy, *Globalized Islam: The Search for a New Ummah* (New York: Columbia University Press, 2006); Juan Cole, *Engaging the Muslim World* (New York: Palgrave Macmillan, 2009); Roel Meijer (ed.), *Global Salafism: Islam's New Religious Movement* (London: Hurst, 2009), pp. 33-57.
 2. Vali Nasr, *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future* (New York: W. W. Norton, 2006); Khaled Ahmed, *Sectarian War: Pakistan's Sunni-Shia Violence and its links to the Middle East* (Karachi: Oxford University Press, 2011).

اندیشه‌ها از یک هسته مفروض به جوامعی که در حاشیه انگارده می‌شوند و نیز چگونگی جای‌گیری اندیشه‌هایی از این دست، در صورتی که چنین باشد، در بسترهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جوامع نوین میزبان آنها بیشتر از راه ایجاد سناریوهای فرضی پاسخ گفته می‌شود تا با ارائه شواهد علمی. هنوز پاسخ‌های علمی درستی به شماری از پرسش‌های مهم از این دست ارائه نشده است: چه عواملی مایه اهمیت روایت خاصی از اسلام در میان موضع‌های رقیب می‌شود؟ تا چه اندازه حکومت‌های ملی در پیشبرد گفتمان اسلامی جهانی نقش فعال ایفا می‌نمایند؟ و از چه راه‌هایی این گفتمان‌های اسلامی که مورد توجه جهانیان قرار می‌گیرند، به ستیز با باورها و رسوم محلی بر می‌خیزند؟ هدف از تدوین این مجموعه توجه به این کمبودها بوده است. این مجموعه کوششی کم مانند در راستای تبیین روندهای پیچیده ارتباط میان هسته مفروض و حواشی است. در این مجموعه به بیان چگونگی این ارتباط پرداخته شده که گاه جوامع میزبان را سخت دیگرگون می‌سازد و در مواردی نیز جذب اندیشه‌های نوین محدود می‌ماند؛ موفقیت اندیشه‌های بیگانه در دیگرگون ساختن بستر محلی بسته به سازواری آنها با واقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جوامع میزبان آنهاست.

این مجموعه، در راستای بازنمودن روندهای پیچیده‌ای که بنیان انتقال جهانی گفتمان‌های اسلامی را تشکیل می‌دهند، بر کارکرد اثرگذارترین مراکز بین‌المللی معارف اسلامی در روزگار ما تمرکز می‌نماید که عبارتند از: دانشگاه الازهر در مصر؛ دانشگاه اسلامی المدینه در عربستان سعودی؛ دانشگاه بین‌المللی المصطفی در ایران. دانشجویان

از سراسر جهان به این سه دانشگاه روی می‌آورند که در کشورهایی در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس جای دارند و از نظر سیاسی اثرگذارند. دانش‌آموختگان این دانشگاه‌ها اندیشه‌ها و شماری نیز شور و شوق اصلاح طلبانه را که در دوره تحصیل فراگرفته‌اند در جوامع میزبان خود رواج می‌دهند. این دانشگاه‌ها صورت‌های امروزی مدارس دینی قدیم هستند که علما حائز مراتب گوناگون در آنها تحصیل می‌کنند و شماری از آنان مجتهدند که اختیار صدور فتوا در باب موضوعاتی را دارند که در قرآن آشکارا از آنها سخن نرفته است.^۱ اهمیت این دانشگاه‌ها در طبیعت دوگانه آنهاست که علما در آنها به شیوه مدارس قدیم علم می‌آموزند، اما ادعا می‌شود که با برگرفتن ساختارهای رسمی دانشگاه غربی، فضای آنها را امروزی کرده‌اند. شماری بر این باورند که این الگوی درآمیختن ویژگی‌های تحصیل قدیمی و امروزی، به کوشش‌های فتح‌الله گولن در راستای جهانی کردن نظام آموزشی امروزی معطوف به اسلام در ترکیه بسیار مانده است. با این حال، مدارس گولن از مقوله‌ای دیگرند، چه این مدارس شامل مقاطع تحصیلی تا پیش از ورود به دانشگاه است و دیگر این که هدف از تاسیس این مدارس تربیت علما نیست. در این مجموعه به لزوم بازشناختن توان بالقوه شاخص این دانشگاه‌ها در راستای جهانی کردن گفتمان‌های اسلامی خاص پرداخته می‌شود؛ از این رو که این موسسات از پشتیبانی دولت‌هایشان برخوردارند و این که بررسی آنها مایه آن

۱. در مورد سرشت "دانشگاه اسلامی" به عنوان صورت امروزی حوزه، نک

Muhammad Qasim Zaman, "Epilogue: Competing Conceptions of Religious Education", in Robert W. Hefner and Muhammad Qasim Zaman (eds), *Schooling Islam: The Culture and Politics of Modern Muslim Education* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2007).

می‌شود که به تعامل پیچیده میان آرمان‌های حکومت‌ها در راستای اعمال مشروعیت جهانی و پدیداری گفتمان‌های جهانی اسلامی بنگریم.^۱

المدینه و المصطفی به‌ویژه به مراکز اصلی گسترش سلفی‌گری وهابی و تشیع ایرانی تبدیل شده‌اند؛ المدینه به‌ویژه با دخالت در محیط‌های مذهبی دیگر و زدودن آیین‌های اسلامی محلی شده‌ی ارج نهادن به بزرگان متصوفه و دین مردم پسند، و المصطفی با ترویج تشیع ایرانی که مایه هم پوشی تنگاتنگ قدرت دینی و سیاسی به پیروی از مفهوم ولایت فقیه آیت الله خمینی پیوند دارند.^۲ ممکن است با در نظر گرفتن پیشینه پیچیده‌تر و رد تقلید الازهر پیوند دادن آن با دو دانشگاهی که اهداف آنها در راستای جهان‌بینی اسلامی انحصار طلب و غالب در جهان است شگفت‌بنماید، اما توانایی آن در راستای برتری آن به عنوان «ندای اسلام میانه رو»، که بنا بر آن درک صحیح اصول اسلامی با توجه به همسو ساختن متون با روزگاری که روی به دیگرگون شدن دارد،^۳ ممکن است در روشن ساختن این بررسی تطبیقی یاریگر باشد. این سه دانشگاه از این نظر بی‌ماندند که با حکومت‌ها و دانشجویان شان که اهل کشورهای سراسر جهانند به طور مستقیم یا غیر مستقیم در پیوندند. ویژگی‌هایی از این دست است که آنها را از یک مرکز دیگر معارف اسلامی، دارالعلوم دیوبند (Deoband) هند، متمایز می‌سازد. شبکه مدرسه دیوبند کاملاً مستقل از حکومت است و پیروان بس شمار آن

-
1. Bekin Agai, "Islam and Education in Secular Turkey: State Policies and the Emergence of the Fethullah Gulen Group", in Robert W. Hefner and Muhammad Qasim Zaman (eds), *Schooling Islam: The Culture and Politics of Modern Muslim Education* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2007).
 2. Meijer (ed.), *Global Salafism*; Sabrina Marbin (ed.), *The Shi'a Worlds and Iran* (London: Saqi, 2010).
 3. Nathan Brown, *Post-Revolutionary al-Azhar* (Washington, DC: Carnegie Endowment, 2011).

اساساً در جوامع مسلمانان جنوب آسیا تمرکز یافته‌اند.^۱ این مجموعه با توجه به فعالیت‌های این سه مرکز جهانی علوم اسلامی و بازجستن فعالیت‌های دانش‌آموختگان آنها و تأثیری که بر جامع میزبان خود دارند، در پی آن است که درکی دقیق‌تر از آنچه در آثار در باب جهانی شدن گفتمان‌های اسلامی آمده به چگونگی انتقال اندیشه‌ها پردازد و بررسی نماید که از چه رو کمتر ممکن شده است که نتایج نهایی این روند کاملاً در اختیار یک بخش یا حکومت قرار گیرد.

این بررسی تطبیقی، به سه دلیل، نگرشی بس سودمند در راستای بررسی کارکرد پیوندهای جهانی و محلی گسترش گفتمان‌های اسلامی جهانی ارائه می‌کند. نخست آن‌که پیش از پرداختن به بررسی روندهایی که در جهانی شدن یک گفتمان یاریگر است، بایست معلوم گردد که آن گفتمان به راستی شایسته عنوان جهانی شدن است؛ این سه دانشگاه حائز این پیش شرط هستند. تأثیر این سه دانشگاه بر شکل دادن به گفتمان و ادای تکالیف در جوامع اسلامی امروزین در آفریقای شمالی، خاورمیانه و آسیا، و نیز بیرون از سرزمین‌های خود، در امریکای شمالی و اروپا، آشکار است و این امر در گوناگونی ملیت دانشجویانی که از سراسر جهان برای تحصیل به آنها روی آورده‌اند تجلی یافته است. مدیران عالی رتبه این سه دانشگاه، چنان که در فصول بخش اول مورد بررسی قرار

۱. بنا بر گزارش ریتس، ۹۴ درصد دانشجویان دارالعلوم دیوبند در فاصله سال‌های ۱۸۶۶ تا ۱۹۹۴ اهل هند، بنگلادش و پاکستان بودند. به استثنای مواردی اندک شمار، دانشجویان اهل کشورهای خارج از شبه قاره نیز از اعقاب مهاجران آسیای جنوبی بودند. نک:

Dietrich Reetz, "The Deoband Universe: What Makes a Transcultural and Transnational Educational Movement of Islam?", *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 27(1) (2007): 145.

گرفته، از تاثیر خود بر شکل‌دهی گفتمان اسلامی برای مسلمانان سراسر جهان نیک آگاهند و به سبب مرتبه بلندشان، به عنوان مرکز علوم اسلامی، رهبری جهان را وظیفه دینی خود می‌انگارند.

دوم این که بررسی تطبیقی این سه دانشگاه فرصتی مغتنم برای مقایسه فعالیت این سه روند غالب اسلام معاصر، سلفی‌گرایی وهابی، تشیع ایرانی و ندای اسلام «میانه رو»، است که در صحنه بین‌المللی سیاسی و دینی در راستای تفوق به رقابت برخاسته‌اند. پژوهش علمی در باره شبکه جهانی اسلامی و نیز گفتمان سیاست‌گذاری غربی در راستای درک شیوه‌های شکل‌دهی جوامع اسلامی توسط این سه روند عمده اسلام و چگونگی تعیین روابط آنها با غرب متمرکز است. با این حال، با در نظر گرفتن این که هر کوشش علمی در راستای تعریف اصطلاحاتی مانند اسلام آزاد اندیشانه (لیبرال)، «میانه رو» یا «درست آیین» (ارتدکس)، بنا بر نحوه نگرش به مهم‌ترین معیارها در تعریف اصطلاحاتی از این دست، مایه آن شده که معنای آنها نیز بحث‌انگیز باشد. سلفی‌گرایی، به معنای رایج، با تعبیر سختگیرانه و متزهاده از متون اسلامی بیش‌تر با وهابیت سعودی‌ها پیوند یافته است. اما، چنان که بارها در مقالات این مجموعه آمده، اصطلاح سلفی‌گرایی در بستر مصر^۱ معنای

۱. بایست اذعان نمود که سلفی‌گرایی متأثر از سعودی‌ها نیز انواع گوناگونی دارد. برای نمونه، کویتان و یکتوروویچ سه فرقه سلفی عمده را بر می‌شمارد: پاکدینان، سیاسیان و جهادیان. نک:

Quintan Wiktorowicz, "Anatomy of the Salafī Movement", *Studies in Conflict & Terrorism*, 29 (2006): 207-39.

با این حال در اینجا تاکید بر بازنمودن اختلاف میان سلفی‌گرایی ملهم از سعودی و سلفی‌گرایی ملهم از مصر در اوائل سده بیستم است.

پیچیده‌ای می‌یابد، چه در آن کشور تجدد گرایانی مانند محمد عبده (۱۸۴۹ - ۱۹۳۵) و شاگردش، رشید رضا (۱۸۶۵ - ۱۹۳۵)، که در واقع به بحث در باره تعابیر بسیار تجددگرایانه از متون اسلامی می‌پرداختند نیز خود را در چارچوب سلفی‌ها قرار دادند و دانشمندان بس شماری آنان را سلفی خوانده‌اند. آنان تقلید یا پیروی کورکورانه از مذاهب چهارگانه را نپذیرفتند و در پی پیوند بی‌واسطه و پیوسته با قرآن و حدیث به منظور تعبیر بی‌واسطه آنها بودند^۱ و از این نظر به سلفی‌های عربستان سعودی مانده‌اند. اما، در واقع، سلفی‌گرایی آنان بر سلفی‌گرایی وهابی تأثیرات کلامی و اجتماعی بس گوناگونی گذارده، چنان که سلفی‌گرایی وهابی در پی بازگشت به منابع اصلی است، اما به جای تعبیر مجدد آن متون در پرتو نیازهای امروزی در جست‌وجوی تهذیب اعتقادی است که در بیشتر موارد مایه از بن نپذیرفتن تأثیر غرب است. چنین است که مقالات مربوط به الازهر و المدینه به تأثیر این دانشگاه‌ها از نظر گسترش ایدئولوژی سلفی می‌پردازند، اما این دو مفاهیم بس گوناگونی از سلفی‌گرایی به دست می‌دهند.^۲ اگرچه حد مشترک این دو گروه توجه بسیار به بازگشت به متون اصلی است، اما در پیوند با متونی از این دست شیوه‌های گوناگونی در پیش گرفته‌اند.

تعریف اسلام «میان‌ه رو» نیز با در نظر آوردن گوناگونی‌های درون این سازمان‌ها، که مدعای نگرش تجدد طلبانه دارند، نیز کار دشواری

-
1. Roel Meijer, "Salafism: Doctrine, Diversity and Practice", in Khaled Hroub (ed.), *Political Islam: Context versus Ideology* (London: Saqi, 2010).
 2. Bernard Haykel, "On the Nature of Salafi Thought and Action", in Meijer (ed.), *Global Salafism*, pp. 33-57; Stephane Lacroix, *Awakening Islam: The Politics of Religious Dissent in Contemporary Saudi Arabia* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2011).

است. با این حال، ویژگی‌هایی در تعریف اصطلاح سلفی‌گرایی مطرح شده که در تعریف اسلام میانه رو حائز اهمیت است. دو معیار بسیار معروف در این باره علاقه به تعبیراتی است که بیشتر متن بنیاد است، تا ظاهری و دیگر توجه به نگرش کثرت‌گرایانه در راستای پیروی از چند مذهب در برابر تقلید از یک مذهب است. ارائه تعریفی برای تشیع ایرانی نیز دشوار است، اما ویژگی بنیادین آن پیوند تنگاتنگ آن با اصل سیاسی ولایت فقیه است که [امام] خمینی آن را مطرح ساخت و این اصل مایه بیش از آن که با مدارس دینی نجف، که به طور سنتی گفتمان اسلامی شیعی را رهبری می‌کردند، مربوط باشد، مایه نزدیکی بیشتر مرجعیت دینی و سیاسی است.

مواردی که برای تدوین مقالات این مجموعه برگزیده شده نشان از این سه مفهوم متمایز اسلام دارد. این چنین، گزینش المدینه از برای آن بوده که امروزه نماینده مفهوم پرطرفدار سلفی‌گرایی است که آن را محافظه کارانه و در پیوند با اسلام سعودی می‌انگارند؛ شمار اندکی از عامه مسلمانان و نه تنها در غرب، از سلفی‌گرایی تجدید طلبانه عبده آگاهند، امروزه ال‌زهر را از برای تاکید آن بر تدریس هر چهار مذهب سنی و توجه به حمایت از حکومت‌های مصر و عرب در اتخاذ تصمیم در راستای سازگار کردن احکام اسلام با دیگرگونی‌های برآمده از شیوه زندگی غربی، در جهان به عنوان نمونه پیشرو اسلام میانه رو می‌انگارند. المصطفی نمونه آشکار بررسی فعالیت‌های تشیع ایرانی است؛ چه این دانشگاه برجسته‌ترین موسسه در ایران برای ارائه فرصت تحصیل دینی برای دانشجویان بین‌المللی است. چنین است که در این مجموعه، گزینش این سه مورد بر بنیاد توانایی آنها در راستای ارائه این سه روند

غالب اسلام در دنیای معاصر، بنا بر گفتمان رایج است. علت آغاز کردن از این مقولات کلی‌تر آن است که در درک مواضع غالب اسلامی، به رغم گوناگونی‌های هر موضع، یاریگرند.

با توجه به این امر که ممکن است این سه برداشت از اسلام در شکل دهی جوامع اسلامی و پیوندهای آنها با تجدد و جوامع غربی پیامدهای کاملاً متفاوتی در بر داشته باشد، گفتمان سیاست جهانی بیش‌تر در راستای محدود ساختن نفوذ سلفی‌گرایی سعودی و تشیع ایرانی و در برابر اطمینان یافتن از حمایت از گسترش اسلام روادارتر است.^۱ نظری به این سه مرکز مهم تحصیل علوم اسلامی، که هر یک آشکارا در راستای یکی از سه گفتمان اسلامی تاثیرگذار در سطح بین‌المللی است، فرصتی مغتنم فراهم می‌آورد تا کارکرد سطح خرد گفتمان‌هایی که در سطح جهانی تفوق یافته و نیز عواملی که مایه برآمدن آنها شده مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. این رهیافت تطبیقی نیز این فرصت را پیش می‌آورد تا به بررسی این امر پرداخته شود که آیا ساز و کارهای (مکانیسم‌های) بنیادین پیوند میان هسته و حواشی مفروض در این سه گفتمان تاثیرگذار یکسان است، یا این که سرشت این گفتمان (تقلید در برابر دیدگاه کثرت‌گرایانه) مایه تاثیر بر سرشت پیوندهای میان این دو طرف می‌شود. هم چنین بحث بر سر این است که، در صورتی که هدف، اشاعه پیروی از آرمان‌های خاصی باشد، تقلید شیوه انتقال یک سویه اندیشه‌ها را می‌طلبد.

۱. نک تحلیل ملیکا زغال در این باره که چگونه رئیس جمهور سارکوزی با اعمال نفوذ بر شیخ الازهر در پی مشروعیت سیاست فرانسه در راستای منع حجاب برآمد. Malika Zeghal, "The 'Recentering' of Religious Knowledge and Discourse: The Case of al-Azhar in Twentieth-century Egypt", in Hefner and Zaman (eds), *Schooling Islam*, pp. 107-30.

به رغم بحث‌های علمی فزاینده در باب انشعاب مرجعیت اسلامی، به پیامد پدیدار شدن تریبون‌های گوناگون و با توجه به شکل‌دهی گفتمان اسلامی جهانی، قدرت کسانی که تدریس متون اسلامی را در اختیار دارند هم چنان از اهمیت ویژه برخوردار است. شمار ائمه آنلاین به طور ناگهانی رو به فزونی دارد و شماری نیز در میان عامه مسلمانان از اقتدار موجهی برخوردارند، اما بیش‌تر از برای جلب توجه هم چنان نیاز به مهر تایید از مرجعی فرادست، به صورت مدرک تحصیلی صادر شده از سوی یکی از مراکز علوم دینی درست آیین (ارتدکس)، دارند. این مهم انگاردن متون مکتوب در بیان مدعای اقتدار دینی مایه آن می‌شود که این دانشگاه‌ها، با تمرکز بر تدریس متون اسلامی، نقش عمده‌ای در تربیت علمای سخت‌کوش نمایند که هم چنان در دهه‌های پیش رو به بیان آموزه‌های اسلامی پردازند.^۱ این چنین، در حالی که تریبون‌های بس شماری در راستای گسترش اندیشه‌های دینی خاصی در سطح جهانی به کار گرفته شده‌اند، مراکز علوم اسلامی که در آنها به آموزش علما به منظور تعبیر متون پرداخته می‌شود هم چنان در راستای گسترش و تبلیغ اسلام نقش مهمی ایفا می‌نمایند.^۲ توجه به دانشگاه‌هایی که در راستای

۱. اعطای بورس تحصیلی به بانوان مبلغ نشان از اهمیت بسیار آگاهی از متون در راستای تثبیت اقتدار دینی دارد. نک:

Masooda Bano and Hilary Kalmbach (eds), *Women, Leadership and Mosques: Changes in Contemporary Islamic Authority* (Leiden: Brill, 2011).

۲. این که دانشگاه‌هایی از این دست از رسانه‌های ماهواره‌ای و فن‌آوری آنلاین در راستای تبلیغ آموزه‌هایشان بهره‌بر می‌دارند مایه آن می‌شود که رقابتشان با پدیدار شدن رقیبان جدید به صورت مفتی‌ها و ائمه جهانی آنلاین کارآیندتر شود. نک:

Bettina Graf and Jakob Skovgaard-Petersen (eds), *Global Mufti: The Phenomenon of Yusuf al-Qaradawi* (London: Hurst, 2009).

پشتیبانی به واسطه یا بی‌واسطه از حکومت دین سالارانه پدیدار شده‌اند^۱، به‌ویژه المدینه و المصطفی، به درک این امر یاری می‌رساند که چگونه چند موسسه در جهت ایجاد همبستگی، با چند تعبیر محدود از متون اسلامی و بی‌اعتبار ساختن موسسات تاثیرگذار هم طراز خود، گام بر می‌دارند. بررسی دانشگاه الازهر، از دیگر سو، به درک این امر کمک می‌کند که چگونه می‌توان از همان متون در راستای ترویج دیدگاه کثرت‌گرایانه در پیوند مهم با منابع گوناگونی بهره برد که بر تقلید از مذهبی خاص اولویت دارد.

این مجموعه مقاله، با توجه به فعالیت‌های این سه مرکز علوم اسلامی در سطح جهان و نیز با نگرستن به فعالیت‌ها و تاثیر دانش‌آموختگان آن مراکز بر جوامع میزبان، در پی درک درست و دقیق چگونگی انتقال اندیشه‌ها و پیامدهای روند انتقال در سازگار ساختن همان اندیشه‌ها در فرایند جلب پیروان است. این مجموعه، با نشان دادن این امر که گفتمان‌های برتری جویانه، در راستای جلب پیروان بیش‌تر، بایست در پیوند با گفتمان‌های مخالف نرمش‌پذیر باشند، به رد گمان‌های ساده‌انگارانه در باره سازوکارهایی می‌پردازد که به انتقال اندیشه‌ها در

۱. مشروعیت پادشاهی سعودی بر اساس همبستگی خاندان سلطنتی سعودی و تشکیلات دینی است. در قانون اساسی ایران آمده است که رهبر انقلاب بایست فقیه باشد. به رغم تفاوت‌هایی از این دست، شریعت در ایران و نیز عربستان بنیان رسمی قوانین حکومتی است و رهبران این هر دو کشور ادعا می‌کنند که خود و حکومتشان بر اساس شریعت اسلام عمل می‌کنند. برای مقایسه بیشتر ایران و عربستان سعودی، نک:

سطح جهان شکل می‌دهند و نیز اظهار نظرهای افراطی را، که گاه در مورد قدرت حکومت‌های دین سالارانه ابراز می‌شود، باز می‌دارند. در این مجموعه بس آشکار می‌شود که اگر چه ممکن است حکومت سعودی یا ایران در راستای تبلیغ ایدئولوژی‌های خود بسیار سرمایه‌گذاری کنند، اما موفقیت این کوشش‌ها در گرو چند عامل در میان مخاطبان آنان است که مهم‌ترین آن عوامل بستر سیاسی محلی، الگوهای تاریخی وابستگی دینی، و درک فرهنگی و زیبایی شناختی جامعه مخاطب است. این چنین، در بررسی روندهای انتقال اندیشه‌ها در سطح جهانی نه تنها مشخص ساختن «کوشش‌ها در راستای نفوذ» از اهمیت برخوردار است، بلکه بررسی «سازگاری‌ها در راستای نفوذ» نیز به همان اندازه مهم است. در مقالات این مجموعه باز نموده می‌شود که این سازگاری از برای جلب دانشجویان به جانب یک ایدئولوژی خاص و نیز آماده ساختن دانشجویان برای رویارویی با استدلال‌های پیروان مذاهب یا فرقه‌های مخالف حائز اهمیت بسیار است. مقالات این مجموعه نشان از آن دارند که در مورد المدینه، المصطفی و الازهر می‌توان گفت که همواره میان آنان که در پی تاثیرگذاری هستند و آنان که متاثر می‌شوند پیوندی دیالکتیک برقرار است و هر دو طرف در پی تاثیر بر یکدیگرند.

مهم‌تر این که، مقالات این مجموعه نشان از این دارد که به رغم کوشش‌های هماهنگ، شکل‌دهی به پیروی از دین حدی طبیعی دارد؛ بدین معنا که همه دانشجویانی که در این سه دانشگاه تحصیل کرده‌اند همه اندیشه‌ها و نگرش‌های مربوط به این موسسات را نپذیرفته‌اند، بلکه بسیاری از این دانشجویان بیشتر در پی یادگیری مطالبند تا ارضاء علاقه مذهبی. آشکار می‌شود که جاذبه رسوم پاکدینانه افراطی مربوط با

سفلی‌گرایی سعودی و تشیع ایرانی هرگز نمی‌تواند کاملاً از جاذبه تریبون‌های کثرت‌گرایانه‌تر یا تریبون‌های دیگر بکاهد، چه بسیاری از افراد به یک رهیافت خاص تمایل دارند. سلفی‌گرایی سعودی، به رغم همه کوشش‌هایی که در راستای افزودن پیروان خود نموده، نمی‌تواند کاملاً جاذبه شیوه‌های میانه‌روتر اسلامی مانند شیوه‌ال‌ازهر را از میان ببرد و نیز تشیع ایرانی نمی‌تواند نفوذ حوزه نجف را، که تا کنون کمتر از اصل ولایت فقیه [امام] خمینی اقبال استقبال کرده، بزداید. این چنین، یکی از مهم‌ترین راه‌حلی‌هایی که در این مجموعه پیشنهاد شده آن است که به نگرانی‌های حاصل از تمایلات سلطه‌طلبانه هر گفتمان دینی یا عرفی از منظر خاص آن نگریسته شود و توجه شود که تعهدات مالی به ایجاد همبستگی دینی کمک می‌کند، اما در نهایت جاذبه یک جهان‌بینی دینی با جاذبه ذاتی آرمان‌هایی مربوط به آن و نیز پیوند آن با شیوه‌های تاریخی و نیز واقعیات روزمره زندگی مومنان و گرایش‌های فردی آنان شکل‌دهی می‌شود.

در مقالات این مجموعه به توضیح عمل‌کرد این مراکز آموزشی، به عنوان اساس سه تعامل مهم، پرداخته می‌شود که سرانجام این گفتمان‌های جهان‌اسلامی توسعه‌طلبانه را ۱. میان استادان و دانشجویان در دانشگاه؛ ۲. میان حکومت و مدیریت دانشگاه؛ ۳. و میان دانشجویان و جوامعی که موطن آنهاست و به آن باز می‌گردند شکل می‌دهند. این مقالات نشان از آن دارند که در صورتی که دانشجویان اندیشه‌ای را درک می‌کنند که استاد توان اقتناع آنها را داشته باشد و استاد، در صورتی که خود در مورد اندیشه‌ای قانع شده باشد، به نوبه خود در ترویج آن تاثیر بیشتری خواهد داشت. چنین است که هنگامی که حکومتی در صدد ترویج آرایشی باشد

ناگزیر است یا از معیارهای خاصی برای ارزیابی آشنایی قبلی استادان منتصب و دانشجویان برگزیده نسبت به دیدگاهی دینی بهره جوید، یا این که به حد کافی از خود نرمش‌پذیری نشان دهد، چنان که آن استادان و دانشجویان بتوانند به تدریج آن اندیشه‌ها را از آن خود بدانند. در این مجموعه مقالاتی در هشت فصل و سه بخش گردآوری شده‌اند تا این فعالیت‌های پیچیده با ذکر نمونه‌هایی بازنموده شوند.

در فصل‌های بخش اول به بیان راهبردهای این سه دانشگاه در راستای پیش برد نفوذشان پرداخته شده و خواننده از درون این دانشگاه‌ها آگاهی می‌یابد و با پیدایش و تحول، حد پذیرش اقتدار آنها در سطح جهان، شیوه‌های تدریس در آنها، و مهم‌تر از همه، با سرشت پیوند آنها با حکومت آشنا می‌شود. در بخش دوم سه بررسی موردی دست اول آمده که نشان از آن دارد که دانش‌آموختگان این مراکز آموزش جهانی چگونه اندیشه‌های این مراکز را به جوامعی در سطح جهان ترویج می‌دهند. مهم‌تر از همه این که در این بخش به چگونگی پیوند بی‌واسطه این اندیشه‌ها با تحولات سیاسی و رسوم سنتی محلی پرداخته می‌شود و نیز این که چگونه و تا چه اندازه این اندیشه‌ها بر شکل‌دهی مجدد بستر محلی تاثیر می‌گذارند. در بخش سوم با وضوح بیشتر به این امر پرداخته شده که چگونگی تاثیر ترویج این اندیشه‌ها در جوامع میزبان نه تنها به کارآمدی یا شور و شوق پیام آور وابسته است، بلکه مهم‌تر این است که این امر به ویژگی‌های جامعه، مانند پیوند میان حکومت و دین، سرشت نخبگان دینی، و تحولات سیاسی آن روزگار، نیز بستگی دارد. در همه فصل‌ها به اهمیت بستر پرداخته شده، اما آشکارترین شواهد در بخش سوم آمده است. در بررسی تحلیلی که در این بخش آمده به شرح

نفوذ شگفت‌انگیز ال‌زهر در مالزی و اندونزی در سده بیستم پرداخته شده و این نشان می‌دهد که چگونه مجموعه‌ای پیچیده از عوامل بایست گرد آیند تا اشاعه گسترده اندیشه‌های بیگانه را در بستری نوین ممکن سازند. این چنین معلوم می‌شود که از چه روی در بیشتر موارد این اشاعه به جاهایی مجزا و تک افتاده محدود می‌شود.

دانشگاه‌های اسلامی بین‌المللی در ساختار اقتدار اسلامی

پژوهش‌هایی که در باره جوامع اسلامی انجام شده دیر زمانی است نشان از اهمیت اجتماعی مراکز درست آیین (ارتدکس) اقتدار اسلامی، یعنی مسجد و مدرسه، دارد، چه علمای این مراکز هستند که ویژگی‌های مومنان را مشخص می‌سازند. اگرچه از دیدگاه نظری در اسلام جایی برای روحانی نیست، اما کسانی که بتوانند متون اسلامی را تفسیر کنند در شکل دادن به جوامع اسلامی بسیار تاثیرگذارند. این اقتدار دینی بیش‌تر، به شیوه سنتی و از راه نظام غیر رسمی تایید علمی، به صورت اجازه انتقال می‌یابد تا صدور مدارک تحصیلی رسمی. برخورد با استعمار مایه پدیدار شدن نخستین انشعاب عمده در ساختارهای سنتی اقتدار شد که به واسطه آن دانش‌آموختگان دانشگاه‌هایی که آموزش در آنها به شیوه غربی بود نخست از اسلام سخن گفتند و این چنین پیروان بس شماری یافتند.^۱ چهره تغییر یافته آنان که در میان مسلمانان از اقتدار برخوردار بودند تاثیرات عمده‌ای در فرآیندهای اجتماعی - سیاسی این جوامع داشت: اخوان المسلمین و جماعت اسلامی، موثرترین جنبش‌های اصلاح

1. Dale F. Eickelmann, "Mass Higher Education and the Religious Imagination in Contemporary Arab Societies", *American Ethnologist* (19) 4 (1994): 643-55.

طلبانه سیاسی در خاورمیانه و جنوب آسیا بر دست تجدد طلبانی از این دست بنیان نهاده شدند.^۱ آنچه کم‌تر از نظر تغییر ساختارهای اقتدار اسلامی مورد بررسی قرار گرفته تغییر جهت به جانب بنیان‌گذاری دانشگاه‌های اسلامی بین‌المللی به عنوان جایگزین مراکز آموزشی مسجد و مدرسه بنیان است. المدینه از آغاز به عنوان دانشگاهی دولتی بنیان نهاده شد، اما المصطفی به تدریج به صورت دانشگاهی خصوصی پدیدار شد. المصطفی از نظر رسمی دانشگاهی خصوصی است که بودجه‌اش در اصل از منافع کارخانه‌های تحت تملکش و نیز از سرمایه‌گذاری‌ها، موقوفات و بودجه دولتی تامین می‌شود. اما چنان که در فصل دوم نشان داده شده، حکومت ایران پس از انقلاب نقش فعالی در پدیدار شدن تدریجی المصطفی به عنوان تریبون اصلی تبلیغ تشیع ایرانی در سطح جهان بوده است. الازهر، که خاستگاه آن به ۹۷۰ میلادی باز می‌گردد، از نظر تاریخی از استقلال بیشتری برخوردار بود. هم چنین، هنگامی که الازهر توسط عبدالناصر در ۱۹۶۱ ملی شد دستخوش تغییرات مدیریتی عمده‌ای گردید. توجهی که این حکومت‌های امروزی، چه با در اختیار گرفتن دانشگاه‌های اسلامی و چه با تامین بودجه آنها به واسطه یا بی‌واسطه، به سرمایه‌گذاری در این دانشگاه‌ها پرداختند و این امر تا اندازه‌ای نشان از آرمان‌هایشان در راستای امروزی ساختن نظام آموزش اسلامی سنتی دارد. به جای به کار بستن شیوه تدریس فردی غیر رسمی،^۲

-
1. Eickelman, "Mass Higher Education"; Vali Nasr, Vanguard of the Islamic Revolution: The Jama'at-i Islami of Pakistan (Berkeley, CA: University of California Press, 1994); Carrie Rosefsky Wickham, Mobilizing Islam: Religion, Activism and Political Change in Egypt (New York: Columbia University Press, 2002).
 2. Jonathan Berkey, The Transmission of Knowledge in Medieval Cairo: A Social History of Islamic Education (Princeton, NJ: Princeton University Press, 1992).

که بنا بر آن طلاب معمولاً یک کتاب عمده را در مدت زمانی مناسب با توانایی‌های یک‌یک طلاب می‌خواندند، این تغییر جهت به جانب بنیان‌گذاری دانشگاه‌ها مایه به کارگیری نظام آموزشی معیار و یک دستی شد که بنا بر آن برنامه درسی یکسان، فرآیند برگزاری آزمون معیار و یکسان از پیش مشخص شده و مدارک تحصیلی مورد تایید دولت جایگزین الگوی تدریس فردی، شیوه‌های ارزیابی معلومات طلاب به طور غیر رسمی و صدور اجازاتی شد که نشان از نظام مدرسی داشت.

تمایل این حکومت‌ها به نظارت بیش‌تر بر تدریس متون اسلامی است که حمایت مالی از دانشگاه‌ها را شکل داده است. در مقایسه با نظام مدرسی، بارزترین وجه اختلاف میان این دانشگاه‌ها و ساختارهای سنتی اقتدار اسلامی مربوط به سرشت پیوند میان آنها و حکومت است. نظام مدرسی، به نسبت دانشگاه‌های امروزی، از استقلال بیش‌تری برخوردار بود، چه از استقلال مالی بیش‌تری بهره داشت. حکومت‌های قدرتمند اسلامی از دیر باز مدارس را حمایت می‌کردند تا مشروعیت دینی کسب کنند و این مشروعیت انگیزه اصلی حکومت‌های امروزی در راستای پرداختن به امور دانشگاه‌های اسلامی بین‌المللی است. با این حال، حمایت حکومت از مساجد یا مدارس بزرگ‌تر معمولاً به صورت اختصاص موقوفات بود که مایه کسب درآمد و استقلال مالی علما بود، اگرچه در مواردی حکومت به مدرسان نیز مقرری ماهیانه پرداخت می‌کرد. این امر علما مدارس را تا اندازه‌ای از نظر مالی از حکومت مستقل می‌نمود و برای نمونه الازهر تا هنگام ملی شدن چنین بود و از درآمد موقوفات بهره‌مند بود. ملی شدن الازهر مایه مصادره موقوفاتش شد و علما را بی‌واسطه وابسته به مقرری حکومتی کرد و این تا اندازه زیادی از اقتدار آنان کاست. هم‌چنین،

دیگرگونی‌هایی که در بستر ایران پس از انقلاب روی داد از استقلال مرجع تقلید (نک فصل دوم) در وصول خمس کاست و معروف‌ترین مدارس دینی قم را تا حد بسیاری برای تامین مقرری مدرسان و طلاب به حکومت وابسته ساخت. دانشگاه المدینه، از دیگر سو، با منشوری دانشگاهی بنیان نهاده شد که بنا بر آن علمایی که به مشاغل دانشگاهی منصوب می‌شوند بی‌واسطه از درآمد ماهیانه حکومتی برخوردار می‌گردند و این چنین تنها ملزم به اجرای قوانین دانشگاه هستند. چنین است که دانشگاه‌هایی از این دست بخشی از شبکه آموزشی امروزی هستند که به نسبت مراکز به نام آموزشی قدیم از نظر مواد آموزشی، نحوه آموزش و برگزاری آزمون بس بیش‌تر تحت نظارت حکومت هستند.

شایان توجه است که تحت نفوذ حکومت دین سالارانه بودن تاثیرات متفاوتی بر حد استقلال دینی این دانشگاه‌های اسلامی بین‌المللی ندارد. چنان که در فصل سوم آمده است، سرشت و اندازه نفوذ حکومت غیر دین سالارانه با نفوذ حکومت دین سالارانه متفاوت است، چه حکومت دین سالارانه در می‌یابد که اعطای استقلال به موسسه دینی برای حفظ مشروعیت آن در نظر عموم، که برای حکومت سودمند تواند بود، از اهمیت برخوردار است. رژیم مبارک در مصر نیز از آغاز دریافت که پشتیبانی دینی از الازهر برای کسب مشروعیت تنها در صورتی موثر است که الازهر، به عنوان میانجی مستقل در امور اسلامی، هم چنان از احترام عموم برخوردار باشد: حکومت مصر نیز وجود علمای ناراضی^۱ الازهر را برتابید تا هنگامی که شیخ الازهر ناگزیر به صدور فتاوی بحث

۱. زغال از آنان به صورت "حاشیه علما" یاد می‌کند. نک :

Zeghal, "The 'Recentring' of Religious Knowledge and Discourse", in Hefner and Zaman (eds), *Schooling Islam*, p. 109.

برانگیز در مورد حمایت از دولت پرداخت و این چنین حکومت با هتک حرمت الازهر مقابله نمود. از دیگر سو، بنیان پرداختن حکومت دینی در ساحت آموزش دینی دیگرگونه است. در راستای کسب مشروعیت برای اقدامات خود، وابستگی حکومت دین سالار به موسساتی مانند دانشگاه‌های اسلامی کم‌تر است؛ چه تنها به آنان در راستای اشاعه جهان‌بینی خاص دینی‌اش نیازمند است. این چنین، حکومت است که به این دانشگاه‌ها مشروعیت دینی می‌بخشد نه این که این دانشگاه‌ها مایه مشروعیت دینی حکومت گردند. برای نمونه، حکومت از جایگاه الازهر در کسب مشروعیت برای اقداماتش بهره برداشت، اما این امر در مورد دو دانشگاه دیگر صدق نمی‌کند چه حکومت‌های آنها از هویت‌های مذهبی بارزی برخوردارند و از آن دانشگاه‌ها انتظار اشاعه آن هویت‌ها را دارند.

چنین است که این دانشگاه‌های اسلامی بین‌المللی نشان از اقتدار دینی بسیار پیچیده‌ای دارند که از آن برای گسترش جهان‌بینی خود و داشتن پیرو و نیز برخورداری از مشروعیت نزد مسلمانان بهره بر می‌دارند؛ اما وابستگی بسیار این دانشگاه‌ها به حکومت، به جای آن که مراجع مستقلی باشند، مایه بدگمانی پیروانی شده که بیش‌تر دید انتقادی دارند و آنها را وابسته به حکومت می‌انگارند. مسایل تحلیلی که در این مجموعه مقالات به آنها پرداخته می‌شود نمودار فرآیندهای پیچیده‌ای است که مایه آن می‌شود تا این دانشگاه‌ها توازن میان نیازهای پیچیده حفظ مشروعیت و نیازهای حکومت‌های پشتیبان خود را حفظ کنند. برای حل این مسایل پیچیده بهتر است با این پرسش آغاز کنیم که چه جای‌ها و موسسات خاصی به صورت هسته اصلی نمودار می‌شوند و نیز این که چه عواملی به تعامل این هسته و حواشی مورد ادعا شکل می‌دهند.

مرکزیت این سه دانشگاه

با نگرستن به این سه دانشگاه آشکار می‌شود که چه آگاهانه توسط حکومت تاسیس شده باشند و چه به واسطه مورد حمایت حکومت باشند یا این که به تدریج در اختیار حکومت قرار گرفته باشند یا نه، این اندیشه که این دانشگاه‌ها مراکز اصلی آموزشی اسلامی هستند در توانایی آنها در راستای ترویج دیدگاهی خاص در سطح جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. اما این مرکزیت چگونه تعریف می‌شود؟ فصول این مجموعه نشان از آن دارد که این سه دانشگاه کوشش‌هایی در راستای اعمال هویت خود به عنوان جایگاه‌های اصلی اعمال اقتدار اسلامی انجام داده‌اند، اما به اصطلاح حواشی، یعنی سرزمین‌هایی که از نظر جغرافیای از این مراکز فاصله دارند، نیز هم چنان تمایل داشته‌اند جایگاه برتر آنها را به عنوان مرکز به رسمیت بشناسند. چنان که در فصل هفتم به تفصیل بازنموده شده، عزیمت به خاور میانه برای تحصیل در مراتب عالی از قدیم در نظر علما مسلمان ساکن سرزمین‌های دیگر از اهمیت برخوردار بوده است. یک جایگاه خاص از برای تقدس مکان یا اهمیت جغرافیایی دیگری ملتقای علمایی بوده که به آنان این حق را می‌داده که از جانب اسلام سخن بگویند. این چنین است که حکومت‌های امروزی مصر، ایران، و عربستان سعودی کوشش‌هایی در راستای اعمال نفوذ در سطح جهان نموده‌اند و جایگاه‌هایی که از آنها اقتداری از این دست را اعمال می‌کنند از پیشینه یا پیروی جهانی پیشامدرن برخوردارند.

مایه شگفتی نیست که یکی از شرایط مهم کسب مرکزیت، اداره اماکن مقدس است. از نظر بسیاری از مسلمانان، خادم حرمین شریفین بودن مایه آن شده است که حکومت سعودی از حق طبیعی هدایت

مسلمانان در سطح جهان برخوردار باشد. با این حال، این اماکن تنها مایه اقتدار نیست، بلکه فراهم آمدن اقتدار پیچیده‌تر از این است. علما از چهار گوشه جهان اسلام از قدیم جذب این اماکن می‌شدند. سرانجام این که گرد آمدن شمار بسیاری از علما در یک مکان مقدس مایه آن می‌شود که آن مکان به صورت مرکز آموزش علوم اسلامی درآید. چنین گردهمایی در بسیاری موارد با وجود یک مکان مقدس پیوند بی‌واسطه دارد، اما در موارد دیگر این امر تنها برآیند وجود مکان جغرافیایی است. از این دست یکی قاهره است که به سبب مرکزیت آن در سرزمین‌های اسلامی از سده دهم تا سده سیزدهم به صورت مرکز سرپرستی علمای برجسته‌ای در آمد که سفر حج می‌رفتند یا به جایی روی می‌کردند که بدانند در آنجا از آزار در سرزمین‌هایی که قدرت مسلمانان رو به اضمحلال دارد در امانند. چنین شرایط طبیعی به این مکان‌های جغرافیایی مشروعیتی می‌بخشد که توجه حکومت را به خود جلب می‌نماید. حمایت حکومت در واقع مایه فزونی توسعه مکان‌هایی است که حالت مرکزیت می‌یابند، اما چنان که پیش از این یاد شد، این پیوند با حکومت از جانب کسانی که باور دارند اقتدار دینی بایست مستقل از اقتدار حکومت باشد سخت مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

تمرکز تحلیل و بررسی بخش اول این مجموعه بر این فعالیت‌های پیچیده اختصاص یافته که رابطه این دانشگاه‌ها با گروه حامیان بس شمارشان، از جمله حکومت و دانشجویانشان، را شکل می‌دهد. فصول این بخش خواننده را از نزدیک با ساز و کار این سه دانشگاه آشنا می‌نماید و به شرح تحولات، جایگاه جهانی، مفهوم نقش آنها در شکل دهی به گفتمان‌های اسلامی جهانی، و از همه مهم‌تر، به تبیین پیوند

آنها با حکومت می‌پردازد. در بخش اول تحلیل و بررسی دقیقی از اهداف المدینه، از آغاز تشکیل آن به عنوان طرح تبلیغی سلفی مورد حمایت دولت سعودی، و گسترش جهانی آن آمده است. هشتاد و پنج درصد دانشجویان آن که همه مذکرند از میان غیر سعودیان انتخاب شده‌اند و در طی چند دهه این دانشگاه دهها هزار بورس تحصیلی به متقاضیان تحصیل در آن از سراسر جهان اعطا نموده که این بورس‌ها ذیل برنامه سخاوتمندانه‌ای همه هزینه‌های تحصیل، اعم از رفت و آمد، شهریه، مخارج زندگی، و هزینه خرید کتاب، را تامین می‌نماید. هدف این بوده که دانش‌آموختگان به کشورهای خود بازگردند یا به عنوان مبلغ در راستای گسترش تعهد معنوی و «اصلاح» دانش و اعمال مذهبی فعالیت کنند. چنان که رئیس دانشگاه و مفتی اعظم آینده، عبدالکریم عبدالعزيز بن باز در دفترچه راهنمای چاپ ۱۹۷۱ نوشت و بر موقعیت جغرافیایی مقدس المدینه تاکید ورزید و به پیوند میان این طرح مورد حمایت سعودی و رسالت پیامبر اشاره نمود، هدف این دانشگاه آن بوده که به عنوان «منع تبلیغ اسلامی امروزمین برخاسته از منبع تبلیغ اولیه اسلام» فعالیت کند. افزون بر تنوع ملیت دانشجویان این دانشگاه، شمار بسیاری از نخستین استادان آن از کشورهای دیگر، به‌ویژه از مصر، و حتی از کشورهای دوردستی مانند مراکش و پاکستان بودند. در این فصل به جنبه‌های مهم پیدایش و تحول المدینه در طی نیم سده پرداخته شده است. گزارش این پیشینه نشان از اهمیت گسترش این دانشگاه و طرح تبلیغی آن دارد که از نظر اخلاقی محافظه‌کارانه است و از انعکاس وهابیت نا به هنگام پایدار و برکنار از گستره تاریخ سده بیستم کناره‌جسته، چه این دانشگاه با تحولات

گسترده معاصر احیا و اصلاح دینی، جهانی‌شدگی و رقابت جغرافیای سیاسی ارتباط تنگاتنگی دارد.

در فصل دوم به پیدایش دانشگاه بین‌المللی المصطفی و نیز دو مؤسسه پیشگام و طرح جهانی‌شدگی آن پرداخته شده است. بررسی پیشینه این دانشگاه نشان از نحوه برآمدن المصطفی دارد که برآیند رقابت میان مراجع تقلید در ایران پس از انقلاب است. در این فصل به شرح ویژگی‌ها و راهبردهای المصطفی پرداخته شده که مایه تثبیت جایگاه مهم آن در تبلیغ دین‌پژوهی شیعی در سطح جهان و متمایز نمودن آن از رقبای شیعی در نجف و همتایان سنی آنهاست. این دانشگاه برآیند ستیزه‌های سیاسی درونی و پیچیده در ایران و نیز طرح حکومت در راستای «صدور انقلاب» به جهان است که بنا بر آن تشیع ایرانی تبلیغ می‌شود که بر اصل ولایت فقیه [امام] خمینی بسیار ارجح می‌گذارد. این دانشگاه به سبب حمایت بی‌واسطه مقام معظم رهبری توانسته برنامه و نظام آموزشی خود را با انتظارات دانشجویان خارجی، که شماری از آنان را بانوان تشکیل می‌دهند، سازگار نماید. با این حال، همین کوشش، که در راستای سازگار ساختن برنامه آموزشی با سطح اکثر دانشجویان خارجی به عمل آمده، آنها را از تحصیل در سطح اجتهاد، که همواره جایگاه مجتهدان را خاص ایرانیان انگارده‌اند، باز داشته است. این دانشگاه، از طریق شعبات بس شمار برون‌مرزی، در پی مقابله با گسترش «وهابیت» ضد شیعی و تفوق بلا‌منازع آن بر رقبایش، به‌ویژه مدارس حوزوی نجف، است. این نحوه تدریس «ایرانی» و «سیاسی» همچنان در میان شیعیان خارج از ایران بحث برانگیز است، اما دانش‌آموختگان المصطفی در پی گسترش سودمندی کارکردی و نمادین

مدارک تحصیلی خود و سازگار کردن دانش آموخته در المصطفی با نیازهای جوامع محلی خود هستند.

در فصل سوم به این امر پرداخته شده که چگونه ال‌زهر، که آن را حکومت فاطمیان شیعیه در ۹۷۰ بنیان نهادند، سرانجام یکی از مراکز بسیار معتبر آموزش اسلامی اهل تسنن در سراسر جهان شد. امروزه بیش از سی هزار دانشجوی خارجی در ال‌زهر مشغول به تحصیل علوم اسلامی و دیگر علوم مربوط به آنها هستند. این فصل نشان از تأکید بر «راه اعتدال» دارد که در تأکید ال‌زهر بر آموزش هر چهار مذهب اهل تسنن بازتاب یافته و در برآمدن ال‌زهر به عنوان یک مرکز آموزشی جهانی نقش عمده‌ای ایفا نموده است. در این فصل به این امر توجه شده است که چند عامل مایه آن شد که این دانشگاه رهبری اسلام سنی، از جمله در مقر آن، قاهره، را بر عهده گیرد و این که علمایی، به سبب ناپایداری سیاسی و اقامت در قاهره، از جای‌هایی، مانند اندلس، روی به آنجا آورند و نیز این که این دانشگاه توانسته است به طرح و اشاعه گفتمان‌های گوناگون بپردازد.

از مسائل مورد بحث در این فصل یکی نیز اصلاح‌های حکومتی بحث برانگیزی است که از دهه ۱۹۶۰ انجام شده است. در فصل سوم به تحلیل و بررسی چالش‌هایی پرداخته شده که ال‌زهر در راستای حفظ مشروعیت خود نزد مومنان در مصر و خارج از آن کشور، از هنگام تصمیم عبدالناصر به ملی کردن آن دانشگاه، با آنها رویارو بوده و نیز از عواملی سخن رفته که مایه بقای آن به رغم این چالش‌ها شده است. مسائل مورد بحث در این فصل نشان از آن دارد که چگونه ال‌زهر، پس از بهار عربی، دیگر بار مشتاقانه در پی ایفای نقشی مهم به عنوان ندای

اسلام میانه رو در مصر و نیز در سطح جهان برآمد و نیز این که بلندپروازی‌هایی از این دست را بایست با بازگرداندن اقتدار سیاسی به دست ارتش محدود ساخت و این حرکت از خلاف آمد عادت مورد حمایت شیخ الازهر قرار گرفت.

آموزش ساکنان محلی به یاری دانشجویان

فرآیند دوگانه راهبردهای اعمال نفوذ و سازگار ساختن محیط با آن نفوذ، همانند آن دانشگاه‌ها، به طور یکسان به دانش‌آموختگان این دانشگاه‌ها که به جوامع خود باز می‌گردند نیز قابل اطلاق است. دست کم شماری از دانش‌آموختگان در دوران تحصیل اندیشه‌هایی را که در معرض آنها بوده‌اند جذب می‌کنند. با این حال، ترویج این اندیشه‌ها در جوامع محلی سخت و وابسته به مهارت‌های آنان و توان سازگار ساختن این اندیشه‌ها با بستر محلی است. در بخش دوم به این مسائل پرداخته می‌شود و سه مورد دست اول از این بررسی‌های موردی ارائه می‌گردد که نشان می‌دهند این دانش‌آموختگان اندیشه‌هایی از این دست را توسط این سه تریبون جهانی در جوامع گوناگون در سطح جهان اشاعه می‌دهند. از همه مهم‌تر این که پیوند این اندیشه‌ها با بستر محلی، تحولات سیاسی و شیوه‌های سنتی نقشی بی‌واسطه در موفقیت آنان در دیگرگون ساختن آن بستر دارند.

در فصل چهارم به اختصار به شبکه مبلغان برجسته، اهل السنه کانو، در شمال نیجریه، پرداخته شده است. می‌توان گفت که نیمی از این مبلغان دانش‌آموختگان المدینه‌اند. در این فصل به شخصیت‌های برجسته این شبکه توجه شده و از نحوه آشنایی با متون و اندیشمندان جدید در

این دانشگاه و نیز کناره جستن از درگیری‌های ناراحت کننده در شمال نیجریه سخن رفته و به آغاز فرآیند اندیشه‌ای پرداخته شده که اوج آن در تصمیم دانش‌آموختگان المدینه نسبت به گسستن از جنبش ضد صوفیانه ازاله (جماعة ازالة البدعة و اقامة السنّة)، که پیش از رفتن به مدینه با آن پیوند داشتند، بازتاب یافته است. دانشجویان دریافتند که ازاله بیش از اندازه سختگیرانه عمل می‌کند و در راستای حذف دیگران گام برمی‌دارد. دانش‌آموختگان بازگشته، به رغم آن که هنوز مبلغان مخالف تصوف بودند، جایگاه خود را به عنوان مبلغان مستقل تثبیت کردند. در این فصل بازنموده شده که تحصیل در المدینه بر اعتماد به نفس فکری این مبلغان افزود و مایه آن شد که در پی الگوهای رهبری برآیند که بیش‌تر بر بنیاد شهرت فردی قرار دارد نه برخورداری از پشتیبانی سازمان‌های سلسله‌مراتبی. دیگر این که، در این فصل از نحوه تبلیغ آنان در جوامع خود سخن رفته و این که دانش‌آموختگان المدینه رویدادهای نیجریه را با ستیزه‌های جوامع اسلامی در جای‌ها و زمان‌های دیگر پیوسته می‌انگارند. در این فصل آمده که تحصیل در المدینه در شکل‌دهی به جایگاه‌های اعتقادی، منافع فکری و راهبردهای خطابی این مبلغان موثر بوده و پیوندهای دیرپا با عربستان سعودی مایه برخورداری آنان از حمایت مادی شده است. با این حال در این فصل چنین نتیجه‌گیری شده که شهرت این مبلغان در بخش‌های گوناگون جامعه کانو، به‌ویژه در میان جوانان، تا اندازه بسیاری حاصل تسلط آنان بر رسانه‌های جدید، به‌ویژه خطابه‌های ضبط شده، و نیز توان آنان در ارائه هویت‌های فرقه‌گرایانه و همبستگی‌های گوناگون در پیوند با مسائل روزمره محلی است. سرانجام این که، این مبلغان سخت‌درگیر سیاست‌های انتخاباتی محلی و درگیری

با انجمن‌های اخوت صوفیان و مقامات اسلام سنتی کانو شده‌اند و این چنین مسائل محلی در گسترش شبکه اهل السنه نقشی سخت موثر و نگران‌کننده داشته است.

در فصل پنجم به این پرداخته شده که چگونه دانش‌آموختگان المصطفی، از جمله دانش‌آموختگان سلف آن، مرکز جهانی علوم اسلامی، نقش مهمی در تحول جامعه شیعی اندونزی داشته‌اند که اهل تسنن در آن کشور اکثریت دارند. ادامه تحصیل در قم پدیده‌ای پس از انقلاب ۱۹۷۹ بود که الحسبی، عالم اندونزیایی عرب تباری که اعتماد رهبران دینی جمهوری اسلامی را به خود جلب نمود، مایه محبوبیت آن شد. در حال حاضر بیش از دویست دانش‌آموخته قم در اندونزی هستند. در این فصل به تفصیل به پیشینه آموزشی دانشجویان اندونزیایی دانش‌آموخته در قم و فعالیت‌های آنان در جوامعشان پرداخته شده که از این دست عبارتند از: بنیان‌گذاری انجمن دانش‌آموختگان دانشگاه بین‌المللی المصطفی؛ فعالیت‌های تبلیغی از طریق چندین موسسه شیعی؛ و فعالیت‌های آموزشی در مدارس دینی، مانند کالج اسلامی جاکارتا که شعبه‌ای از المصطفی است. در این فصل با تاکید بر نقش دانش‌آموختگان قم در دیگرگون ساختن شیعیان، به عنوان نیروی غالب در جنبش‌های اسلامی اندونزی، به شرح تعهد دانش‌آموختگان قم به برقراری پیوند میان شیعیان اندونزی با مرکز جهانی درست آیین (ارتدکس) شیعه در ایران، و نیز رقابت و ستیز در جامعه شیعیان اندونزی به پیامد کوشش‌های آنان پرداخته شده است.

در فصل ششم از منظری تاریخی از تاثیر الازهر بر جنبش ملی‌گرایانه مراکش و به‌ویژه رهبر مستقل آن، علّال الفاسی، سخن رفته که در دوره تبعید ده ساله خود در مصر با اندیشه‌های محمد عبده آشنا شد

و بر جایگاه ایدئولوژیک استقلال، حزب مستقل مراکش، تاثیر گذارد. در این فصل بر تاثیر اندیشه‌های محمد عبده بر سیاست‌های آموزشی حزب استقلال و اهمیت آن در سیاست‌های آموزشی مراکش در سراسر سده بیستم تاکید شده است. دانش‌آموختگان این دانشگاه در اواخر سده نوزدهم و اوائل سده بیستم، از جمله عبدالله بن ادريس السنوسی و ابو شعیب الدکالی، اندیشه‌های نوگرایی اسلامی را در مراکش ترویج کردند. طلاب مراکش در جلسات درس و سخنرانی که در جامعة القرویین در فاس تشکیل می‌شد با این اندیشه‌ها آشنا شدند. پس از بحران الظهیر البربری در ۱۹۳۰، که به پیامد آن بربرها از حق رسیدگی به دعاویشان در دادگاه‌هایی متفاوت با دادگاه‌های اعراب برخوردار شدند، به جای تاکید بر اصلاح دینی بر اصلاح سیاسی تاکید شد. مخالفت شدید جامعه علما با تضعیف قانون اسلامی و کوشش در راستای ایجاد تفرقه میان امت اسلامی مایه آن شد که در سراسر جهان عرب تظاهراتی برگزار گردد. دیگر بار الازهر به صورت مرکزی برای دیدار تبعیدیان و ناراضیان مراکشی و فراخوان همداستانی با مخالفت آنان با این قانون شد. الفاسی پس از بازگشت به مراکش به نخست وزیر رسید و اندیشه‌های عبده، بنیان تریبون آموزشی حزب وی را تشکیل داد. هنوز هم آن اندیشه‌ها بر سیاست‌های آموزشی مراکش در سده بیست و یکم تاثیرگذارند. این چنین در این فصل به پیوند میان نوگرایی اسلامی و جنبش ملی‌گرایی مراکش پرداخته شده و بر نقش الازهر به عنوان پیوندی نهادین میان این دو گروه تاکید شده است. در پایان این فصل به بحث در باره ادامه میراث پیوند میان نوگرایی اسلامی و ملی‌گرایان مراکشی از نظر سیاست آموزشی در مراکش سده بیست و یکم سخن رفته است.

دگرگون‌سازی جامعه محلی؛ اهمیت بافت اجتماعی

در فصول یاد شده از شیوه‌های گوناگونی سخن می‌رود که از طریق آنها دانشجویان مایه تاثیر این دانشگاه‌ها بر جوامع خود می‌شوند و نیز به باز نمودن چالش‌هایی پرداخته می‌شود که آن دانش‌آموختگان با آنها رویارو می‌شوند. در فصول بخش سوم به این امر پرداخته شده که دگرگون‌سازی بستر محلی به پیامد رواج اندیشه‌های بیگانه در آنها می‌تواند بس گسترده باشد، چنان که این امر در مورد «ازهری ساختن» اسلام در مالزی و اندونزی مصداق دارد. در این فصول آمده است که چگونه چنین نفوذ گسترده‌ای تنها هنگامی، به پیامد همزمانی نادر، حاصل می‌شود که اجماع مستقل علما آن جامعه با منافع راهبردی حکومت سازگار باشد و مایه بنیان حمایت گسترده از پذیرش ایدئولوژی بیگانه گردد.

در فصل هفتم از شواهد تاریخی بس شماری بهره برداشته شده تا باز نموده شود که آشنایی با الازهر، که در اوائل سده بیستم آغاز شد، به تدریج موجب تغییر کامل شیوه‌های علما مستقل و تریبون‌های سیاسی حکومتی در راستای صدور فتاوی در آسیای جنوب شرقی گردید. در این فصل به بررسی شیوه‌های غالب سلفی، ملهم از آثار محمد عبده، به جای تقلید از مذهب شافعی سنتی در آسیای جنوب شرقی در راستای صدور فتاوی پرداخته شده است. از اواخر سده نوزدهم چند عامل، از جمله تاسیس پادشاهی عربستان سعودی، مایه گرایش به الازهر در برابر تمایل به جانب مکه به عنوان بنیانی برای علمای آسیای جنوب شرقی شد. در این فصل با مقایسه فتاوی آسیای جنوب شرقی در اوائل سده بیستم در برابر فتاوی صادر شده در دهه ۱۹۷۰ نشان داده شده که چگونه

روی گرداندن از مکه به جانب قاهره، به‌ویژه به جانب الازهر، مایه غلبه شیوه‌های سلفی شد.

در فصل هشتم از پیوند میان الازهر و سیاست حکومتی آموزش علما در مالزی سخن رفته و به پیشینه چند عامل در سده بیستم پرداخته شده که مایه آن شد که دانشجویان مالزیایی برای تحصیل علوم اسلامی به الازهر، به عنوان مناسب‌ترین مرکز آموزشی، روی آوردند. در این فصل آمده که علما در آغاز برنامه آموزشی اصلاح شده الازهر را به عنوان برنامه متنوع آن دانشگاه برگزیدند که با طرح تجدد طلبانه محمد عبده آغاز شد و با به کار بستن آن مدارس دینی مالزی توانستند با مدارس امروزی حکومتی به رقابت برخیزند. با این حال، حکومت مالزی به تدریج تعهدش را نسبت به دین اسلام آشکار ساخت و آغاز به سرمایه‌گذاری در آموزش الازهر نمود. دیری نپایید که آموزش و مدیریت دینی با پیش گرفتن سیاست‌هایی در راستای تاکید بر اسلام گسترش یافت و این چنین فرصت‌های شغلی بسیاری برای دانش‌آموختگان الازهر ایجاد شد. حکومت‌های دینی در دهه ۱۹۹۰ برنامه درسی و نظام برگزاری آزمون را بی‌واسطه از الازهر برگرفتند و حکومت فدرال نظام تایید مدارک آموزش اسلامی مورد پذیرش الازهر در مقطع دبیرستان را مطرح ساخت. چنین است که امروزه نظام آموزشی مالزی بسیار متأثر از الازهر است. این معیاری ساختن برنامه آموزش علوم اسلامی به نوبه خود در مشروعیت بخشیدن حکومت به نظارت بر آموزش علما موثر بوده است. مدارس دینی تحت عنوان پیروی از نظام الازهر تغییر کردند و امروزی شدند و این چنین به صورت بخشی از نظام آموزش ملی درآمدند. این چنین شمار بسیاری از تحولات اجتماعی

و سیاسی محلی، و نه برنامه غیرمنفعلانه جهانی حکومت مصر، مایه پذیرش گسترده اسلام الازهری در بستر مالزی شد.

به رغم تقسیم اقتدار و پدیدار شدن یکایک ائمه در این روزگار فتاوی آنلاین، بس آشکار است که این مراکز اقتدار همچنان از اهمیت برخوردار خواهند بود. علت این امر آن است که تمرکز علما در این موسسات آنان را مقتدر و باکفایت نشان می‌دهد. به پیامد شرایط نوگرایی و فشارهای زمانی گوناگون بر زندگی روزمره مومنان، می‌توان، با جست‌وجوی شاخص‌های زودپاب کیفیت و هویت، از هزینه‌های جست‌وجو در راستای یافتن تعبیر درست از متون اسلامی کاست. چنین است که ائمه آنلاینِ پُرطرفدار، در بسیاری موارد، بیش از همه، نیاز به کسب این نشانه‌های هویت دارند و این مراکز نیز همواره آن نشانه‌ها را در اختیار خواهند داشت. پس احتمال بسیار می‌رود که این مراکز با گذشت زمان از اهمیت بیشتری برخوردار شوند. با این حال، چنان که از این مجموعه مقالات برمی‌آید، مهم است که در مورد توان این مراکز در راستای تبلیغ اهدافشان و تنها با به کار گرفتن توان مالی خود برای قبولاندن آرمان‌هایشان به پیروان خود در سطح جهان تصور درست و روشنی داشته باشیم. جلب پیروان متعهد فرآیندی است بس پیچیده‌تر از آن چه در بسیاری از آثار در مورد رسالت جهانی شماری از گفتمان‌های اسلامی آمده است.